



نقش تجارت بر تبادل فرهنگی و توسعه اقتصادی در دوره صفوی

محمدعلی پرغو^۱، سیده زهرا موسوی شیخلار^{۲*}

۱- دانشیار گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲- کارشناسی ارشد رشته تاریخ، گرایش تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خود، همواره مورد توجه کشورهای خارجی بوده است. برخی پادشاهان شایسته مثل شاه عباس (دوره صفوی) از این موقعیت بهره برده و با استفاده از آن، توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور خود را تحقق دادند. پژوهش حاضر به بررسی نقش تجار و تجارت در توسعه اقتصادی و فرهنگی دوره صفوی پرداخته است. روش تحقیق به صورت مطالعه کتابخانه ای و توصیفی است. بر اساس نتایج پژوهش مشخص شد که مشارکت اقلیت‌های قومی و مذهبی از قبیل ارمنه، یهودیان و هندی‌ها ارکان اصلی تولید و اقتصاد در تجارت دوره صفوی بودند. در دوره صفوی، تجارت نقش بسیار مهمی در تبادل فرهنگی و توسعه اقتصادی ایفا نمود. تجارت ابریشم و ارتباطات اقتصادی با کشورهای اروپایی منجر به تبادل فرهنگی و تجاری بین ایران و سایر کشورها شد. این تعاملات تجاری و فرهنگی باعث انتقال دانش، هنر و فرهنگ بین مردمان مختلف گردید. افزایش تجارت و توسعه راه‌ها و کاروانسراها نیز به ارتقای اقتصاد و تبادلات فرهنگی در این دوره کمک نمود. تجار و بازرگانان ایرانی و خارجی از این فرصت برای تبادل کالاها، ایده‌ها و فرهنگ‌ها بهره بردند که منجر به رشد و پیشرفت اقتصادی و فرهنگی کشور گردید. از این رو، نقش تجارت در تبادل فرهنگی و توسعه اقتصادی در دوره صفوی بسیار اساسی و اثرگذار بوده است.

کلمات کلیدی: تاریخ، تجارت، توسعه اقتصادی، دوره صفوی

۱. مقدمه

تجارت، بازرگانی و دادوستد واقعیتی است که فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با خرید و فروش کالاها و خدمات، به خصوص به منظور پس‌انداز و کسب سود یا منافع مالی انجام می‌شوند. در این سیاق، مالکیت کالاها و خدمات از فروشنده به خریدار منتقل شده و مبادله با دریافت مبلغ پول صورت می‌گیرد. هر فعالیتی که در آن افراد خاص کالا یا خدمتی را به دیگران ارائه می‌دهند و هر دو طرف با رضایت مشخص در این مبادله شرکت می‌کنند، به عنوان تجارت شناخته می‌شود. امروزه، تجارت به دو دسته تجارت داخلی و تجارت خارجی تقسیم می‌شود. به طور کلی، فعالیت خرید و فروش کالاها یا خدمات به عنوان عمل بازرگانی یا تجارت شناخته می‌شود و اهمیت آگاهی و داده در انجام موثر معاملات و تبادلات اقتصادی برجسته است. فعالیت بازرگانی



به عنوان یک سازوکار اساسی برای ایجاد پایه سرمایه‌گذاری در اقتصاد، به شمار می‌رود (دلار و کرای^۱، ۲۰۰۴؛ سیمونز، ۱۳۶۲). از دوران‌های پیش از تاریخ مکتوب، بازرگانی و تجارت به عنوان یکی از قدیمی‌ترین زمینه‌های فعالیت اقتصادی انسان‌ها شناخته می‌شود. این فعالیت‌ها از همان دوران‌های کهن گریخته آغاز شده و به عنوان بخش اصلی از زندگی اجتماعی انسان‌ها در نظر گرفته شده‌اند؛ زیرا از اوایل تاریخ، مردمان کالاها و خدمات را قبل از ظهور نوآوری و ایجاد ارزها با یکدیگر مبادله می‌کردند. پیترو واتسون تاریخ بازرگانی را تا حدود ۱۵۰,۰۰۰ سال پیش تخمین زده است (ابوالفیا^۲، ۲۰۰۳). با اطلاعات به دست آمده از تحقیقات باستان‌شناسی، اولین کالای بازرگانی که کشف شده است شیشه آتشفشانی یا "دادوستد ابسیدین" از منطقه آناتولی به مناطق ایران و میانرودان و همچنین سنگ آتشنزنه در دوره پارینه‌سنگی بوده است (ویلیامز-تروپ^۳، ۱۹۹۵؛ میخائیلیدو و دوگان^۴، ۲۰۰۸).

تجارت در دوران کهن در ایران یکی از فعالیت‌های اصلی بود که جامعه ایرانی از آن بهره‌می‌برد. تاجران ایرانی به سایر مناطق جهان، به ویژه به شرق و غرب از جاده‌های تجاری مهمی برخوردار بودند. آن‌ها انواع کالاها را می‌فروختند و کالاها را خارجی را وارد کشور می‌کردند. تجارت در ایران به خصوص در دوران هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان رونق بیشتری پیدا کرد. این تجارت شامل مواد غذایی، اشیای لوکس، پارچه، مسلات و سفال‌ها، جواهرات و غیره بود. تاجران ایرانی با تجار دیگر کشورها ارتباطات تجاری برقرار می‌کردند و تبادل کالاها و انجام معاملات تجاری را انجام می‌دادند. در مجموع، تجارت در دوران کهن در ایران نقش مهمی در اقتصاد و فرهنگ این منطقه داشت و باعث رونق و ازنده‌شدن اقتصاد و فرهنگ ایرانیان شد (فرای، ۱۳۸۶).

بنابراین تجارت در فرهنگ قدیم ایرانیان همواره نقش مهمی داشته است و از دوران‌های قدیمی ایران تا دوران‌های بعدی توسعه یافته است. "تجارت در فرهنگ قدیم ایرانیان نه تنها به عنوان یک فعالیت اقتصادی، بلکه به عنوان یک جنبه از فرهنگ و هویت ایرانیان بود. تاجران ایرانی برای انجام معاملات تجاری با شهرها و قوم‌های دیگر به سراسر جهان می‌رفتند و ارتباطات فرهنگی و تجاری را ترویج می‌کردند. این تجارت باعث تبادل کالاها، افزایش ثروت و شهرت تاجران، و تقویت اقتصاد و فرهنگ ایرانی می‌شد". از ابتدای تاریخ، ایرانیان علاقه زیادی به هنر، جواهرات، صنایع و معماری نشان داده‌اند. هر زمان یک سلسله قدرتمند در کشور حکومت می‌کرد، اقتصاد ملی نیز پویاتر می‌شد و در اثر آن خزانه مملکت ثروتمندتر می‌شد (معتضد، ۱۴۰۰).

تجارت، با فواصل زمانی بسیار دور از دوران‌های کهن، که جزء جزئی از زندگی مردم فلات ایران بوده است، رونقی بی‌نظیر داشت. ایران، با موقعیت استراتژیک خود در قلب میانه راه بین سواحل مدیترانه و امپراطوری‌های شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی، همواره به عنوان یک محور تجاری و مرکزی برای تبادل حجم عظیمی از کالاها شناخته می‌شد که از طریق مسیرهای تجاری به یکدیگر می‌پیوندیدند. هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران، به اندازه اواخر دوره صفوی، در تلاش برای ارائه چهره پویای تجاری خویش نیست. در این دوران، جلوه‌های هنر اصیل ایرانی در زمینه‌های گوناگون به چشم می‌خورد.

¹ Dollar & Kraay² Abulafia³ WILLIAMS-THORPE⁴ Michailidou & Dogan



۲. پیشینه پژوهش

بیاتی و برلو (۱۴۰۱) در پژوهش خود نشان دادند که در دوره صفویه، رقابت‌های اقتصادی فشرده‌ای بین ایران و عثمانی بر سطحی گسترده از مناسبات این دو کشور تأثیر گذاشت، به گونه‌ای که حاکمان هر دو سرزمین از سیاست‌های اقتصادی به عنوان ابزاری برای فشار و تأثیر پذیری بر یکدیگر بهره بردند. یکی از سیاست‌های اقتصادی اهمیت‌زیدی که در تعاملات سیاسی و اقتصادی بین حکومت‌های صفوی و عثمانی داشت، تحریم تجارت ابریشم بود. این در حالی بود که ابریشم به عنوان یکی از مهمترین موارد درآمدزایی نقش قابل توجهی در تجارت داخلی و خارجی این دو کشور داشت. این تحقیق نشان داد که دو حکومت بر آن بودند تا با استفاده از اهداف متفاوت در حوزه ابریشم و محدود کردن دسترسی دشمنان به این منبع درآمدی، یکدیگر را به تغییر در سیاست خارجی و تطیع به خواسته‌های خود وادار نمایند. با توجه به اینکه صنعت ابریشم به عنوان بخش مهمی از تولید دو کشور بود و یکی از منابع حیاتی درآمدزایی آن‌ها بود، این سیاست‌ها تأثیرات منفی زیادی روی تولید و بازاریابی ابریشم داشتند. بنابراین، موانع غیرتعرفه‌ای موجود در تجارت خارجی، علاقه‌های اقتصادی ایران و عثمانی در زمینه تجارت ابریشم را ضعیف کرده و روابط اقتصادی بین این دو کشور را تضعیف نمود.

با توجه به پژوهش انجام شده توسط ابتکاری (۱۳۹۲)، مشارکت ارامنه و دیگر اقوام و اقلیت‌های قومی و مذهبی (از جمله یهودیان و هندیان) به عنوان عناصر مهم در تولید و اقتصاد در تجارت در دوره صفوی تأیید شده است. همچنین، تجارت ابریشم باعث افزایش روابط تجاری ایران با کشورهای اروپایی شده و کاروانسراها در گسترش تجارت در دوره صفوی نقش بسزایی ایفا کرده‌اند.

پژوهش اختری و کجباف (۱۳۹۲) نشان داد که حکومت صفوی با ایجاد یک حکومت مرکزی قدرتمند، توانست تغییرات گسترده‌ای در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کند که پایه و اساسی بر پای این سلسله قدرت و استمراریت آن را فراهم کرد. این تحولات در واقع مبنایی بودند که برای سلطنت صفوی، پایداری و قدرت فراهم آوردند. اگرچه تغییر و تحول به عنوان ویژگی اساسی دوران صفوی شناخته می‌شوند، اما اقدامات قاطعی برای ایجاد یک اقتصاد پایدار و پیشرفت‌آفرین انجام نگرفت. این مسئله از عوامل گوناگونی نظیر جنگ‌های مکرر داخلی و خارجی، حوادث طبیعی، تأثیر استبداد بر جامعه، افزایش بار مالیاتی بر افراد، غفلت از زیرساخت‌های آبیاری و عمران، ناامنی مسیرها، کاهش تجارت خارجی و ارزشیابی نادرست پول در معاملات، که پول مصرفی نداشت، و عوامل دیگر ناکارآمدی رشد و توسعه اقتصادی ایران در دوره صفوی را محدود کردند.

در تحقیق انجام شده توسط ثواب و نجفی علی‌آبادی (۱۳۹۲) به نتیجه رسیدند که گزارش‌های تاریخی اغلب به تاریخچه طولانی برای احداث کاروانسرا در ایران اشاره دارند و اهمیت این بناها و توجهی که به احداث آن‌ها انداخته شد، نقش اساسی در فعالیت‌های تجاری و توسعه تجارت در کشور داشته است. در دوره صفوی، ساخت کاروانسراها به طور چشمگیری افزایش یافت، به‌ویژه بعد از اقدامات اصلی شاه عباس اول در زمینه توسعه تجارت و ورود تاجران از مناطق مختلف به کشور. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که این سازه‌ها با طراحی‌هایی مناسب با شرایط اقلیمی محل احداث، به عنوان بناهای چندمنظوره، نقش مهمی در حیات اقتصادی و تجاری، تعاملات ملی و بین‌المللی، تبادل افکار و اندیشه‌ها ایفا کرده‌اند و امروزه به عنوان ارزش‌های تمدنی باقیمانده از آن دوران محسوب می‌شوند.

نرسیسیانس (۱۳۹۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که مشارکت فرهنگی اقوام مختلف در زمینه‌های مختلف از جمله هنر و ادبیات، نقش مهمی در تاریخ و فرهنگ ایران داشته است. فعالیت‌های اقوام مختلفی که در ایران زندگی کرده‌اند و



تاریخی که با این سرزمین دارند، نشانگر این موضوع است که شایسته است تاریخ فرهنگ و هنر ایران شامل تمامی اقوام فارسی‌زبان باشد و به دستاوردهای فرهنگی و هنری اقوام دیگر نیز در ایران احترام گذاشته شود. در دوران صفوی و زمانی که شرایط تجارت به سود ارمنیان و اقامت آن‌ها در اروپا منجر شد، ارمنیان با هنر و به ویژه هنر نقاشی مدرن آشنا شدند. این باعث تحول در هنر نقاشی در ایران شد و جامعه مدنی تجار ارمنی با سرمایه مالی خود و تقاضای آثار نقاشی، به‌طور قابل مقایسه حمایت اقتصادی و تجاری برای نقاشان در دوره صفوی ارایه دادند. این همکاری تجاری و فرهنگی باعث توسعه هنر نقاشی در ایران و پیشرفت در این حوزه شد.

کاظمی راشد و شعبانی (۱۳۸۹) بر اساس پژوهش خود تحت عنوان نقش گذرگاهی تبریز در تجارت ابریشم ایران و آناتولی از دوره ترکمانان تا آغاز عصر شاه عباس اول صفوی به این نتیجه رسیدند که با ورود مغولان، علیرغم خرابی‌های اولیه، تجارت ایران رونق دوباره‌ای پیدا کرد و جاده ابریشم در دوره آن‌ها احیاء شد. در قرن هفتم هجری قمری، ایلخانان تبریز را به عنوان پایتخت انتخاب کرده و این شهر به مرکز اصلی تجارت ایران، به ویژه تجارت ابریشم با آناتولی و اروپا در غرب ایران تبدیل شد. پس از دوره ایلخانان و در جریان نزاعات داخلی، برای مدتی تجارت این شهر با رکود روبه‌رو شد و گذرگاه‌های دیگری بجای آن استفاده شدند. با این حال، سیاست‌های تجاری تیمور، دوباره تبریز را به عنوان یکی از اصلی‌ترین صادرکننده‌های ابریشم در مسیر جاده ابریشم قرار داد. با آغاز حکومت صفویان در ایران، اختلافات مذهبی میان دو حکومت به زمینه‌ساز مجادلات سیاسی و مذهبی تبدیل شد که منجر به جنگ‌های ویران‌گر بین آن دو طرف شد. یکی از پیامدهای مهم این جنگ‌ها، رکود اقتصادی ایران و آسیب‌های فراوانی به تجارت ابریشم بین ایران و عثمانی وارد آمد. ابریشم ایران تحریم شده و جاده‌های تجاری ناامن شد. این امور باعث کوتاه شدن دست تجار مسلمان ایرانی در تجارت ابریشم بین ایران و آناتولی و باعث اخذ ارامنه جایگاه ایرانیان در این تجارت شد. از سوی دیگر، تصرف مراکز تجارت ابریشم توسط دولت عثمانی باعث افتادن مراکز تولید ابریشم ایران از جمله شیروان، قراباغ و گیلان به دست عثمانی‌ها شد. این روند تا زمان تثبیت قدرت شاه عباس اول طولانی‌شد و به‌عنوان ارث فرهنگی و تجارتی مهمی ماند. همچنین، شاه عباس اول صدور ابریشم ایران را تحت نظر و مراکز تولید ابریشم را در اختیار خود قرار داد. صدور ابریشم از آن زمان توسط دولت و با مشارکت ارامنه و با دسترسی به مناطق مختلف انجام می‌شد. این امور به‌شکلی موجب توسعه تجارتی جدید شد که با ورود ایران به خلیج فارس و مسیرهای دریایی بیش‌تر موردتوجه قرار گرفتند.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، به بررسی مشارکت افرادی در تجارت دوره صفویه و نقش آنان در افزایش رونق اقتصادی ایران پرداخته شده است. روش تحقیق این مطالعه به صورت توصیفی انجام شده و از منابع کتابخانه‌ای بهره برده شده است. بر اساس منابع اولیه، که شامل مطالعات و کتب تاریخی مرتبط با موضوع بوده‌اند، اطلاعات جمع‌آوری، مورد بررسی قرار گرفته و بخش‌هایی از آنها ترجمه شده‌اند. با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های موردنیاز، اطلاعات تاریخی سازمان‌دهی و تفسیر شده و در پایان به نتایج و استنتاجات مهمی پرداخته شده است.

۴. بحث و نتایج

۴.۱. دوران صفوی

دوره صفوی، یک دوره مهم و تاریخی در تاریخ ایران بود که از حدود قرن ششم هجری تا قرن هفدهم هجری (۱۵۰۱-۱۷۲۲ میلادی) ادامه داشت. این دوره نامگذاری شده به نام دودمان صفوی است که از اواخر دوره تیموریان نخستین به قدرت رسید و توسط شاه اسماعیل اول بنیان‌گذار آن، آغاز شد. اوایل دوره صفویان، شاه اسماعیل اول توانست قدرت خود را برای یکپارچگی ایران به کار گیرد و تهران را به عنوان پایتخت انتخاب کرد. اما نخستین قهرمان و مهم‌ترین شاه از این دودمان، شاه عباس اول معروف به عباس کبیر بود که زمان آن را به دوره بلندمدت آغازگر نوینی در تاریخ ایران تبدیل کرد. او اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را انجام داد و شهر اصفهان را به عنوان مرکز فرهنگی و هنری تقویت کرد. در زمان عباس کبیر، هنر، معماری و ادبیات در ایران به اوج خود رسید و او همچنین روابط تجاری با دیگر کشورها را توسعه داد. اما پس از او، دوره سرنوشتی صفویان شروع شد و تا پایان دودمان صفوی در سال ۱۷۲۲ ادامه یافت.

این دوره به عنوان یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران شناخته شده است و تأثیرات آن بر فرهنگ، هنر و اقتصاد این سرزمین قابل توجهی داشته است. دوره صفویان با سقوط دودمان عباسی در سال ۱۷۲۲ میلادی انهدام شد. عوامل اصلی انهدام دوره صفویان عبارتند از: تهاجم افغان‌ها: یکی از عوامل اساسی انهدام امپراطوری صفوی، تهاجم افغان‌ها به ایران در دوران شاه حسین و کارنامه‌های ناموفق او بود. افغان‌ها تهران را فتح کردند و تخریب‌ها و قتل‌عام‌ها به بار آوردند که منجر به ضعف و شکست حکومت صفوی شد. شورش‌های داخلی: شورش‌های داخلی، عدم توحید داخلی و نزاعات بین قبایل و افراد مختلف نیز از عوامل انهدام صفویان بود. این شورش‌ها نقص‌های نظام داخلی را برهم زد و منجر به ضعف امپراطوری شد؛ تصمیمات نادرست و اشتباهات سیاسی: برخی تصمیمات نادرست و اشتباهات سیاسی از سوی حکومت صفوی نیز به انهدام دوره صفوی اسهم داشت.

به عنوان مثال، حسنعلی افشار (امیرکبیر) به عنوان وزیر اعظم باکفایت و نیرومندی شد، اما جلد در برابر هشتم عباس راند و او را از کار بیرون کرد؛ ازدیاد روابط با قدرت‌های خارجی: توسعه روابط ایران با قدرت‌های خارجی، به ویژه با انگلستان و روسیه، نیز باعث نفع آنها و کاهش قدرت صفویان گردید؛ ازدحام دولتی و ناتوانی در مدیریت امور: ازدحام دولتی و ناکارآمدی در مدیریت امور نیز از عوامل انهدام صفویان بود؛ گسترش فساد و بی‌کفایتی اداری موجب تضعیف نظام حکومتی شد و با نفوذ اوراق بهادار روزافزون بالاتر آمد (جکسون، ۱۹۸۶).

در دوران صفوی، ایران به دستاوردهای بسیاری دست یافت که نقش مهمی در پیشرفت و تعالی این امپراطوری داشته‌اند. برخی از مهمترین دستاوردها و عوامل پیشرفت ایران در دوران صفوی عبارتند از: توسعه و افزایش تجارت: دوران صفوی با توجه به وسعت امپراطوری، توسعه تجارت و روابط تجاری با دیگر کشورها را ترویج داد. این امر باعث رونق اقتصادی و تبادل فرهنگی بین ایران و سایر نقاط جهان شد؛ اصلاحات اقتصادی: شاه عباس اول اقدامات اصلاحاتی در حوزه اقتصادی به منظور تقویت اقتصاد کشور انجام داد. او ترویج کشاورزی، صنایع دستی، و صنعت نساجی را تسهیل کرد و تجارت ابریشم را از سر برده‌ای بیرونی تقویت کرد؛ توسعه معماری و هنر: در دوران صفوی، معماری ایران به اوج خود رسید و بسیاری از بناهای بزرگ و زیبا مانند مسجد شاه در اصفهان و عمارت‌های خوشنما به ساخته شدند.

همچنین، ادبیات و هنر نقاط تازی را در دوره صفوی به خود اختصاص داد؛ تقویت نظام دفاعی و نظامی: دوران صفوی با توسعه نیروهای نظامی و تحکیم دفاعی کشور، ایران را در برابر تهدیدات خارجی محافظت و امن کرد؛ ترویج علوم، حکمت و فرهنگ: دوران صفویان با توجه به حمایت ائمه شیعه از علم و فرهنگ، زمینه‌های مناسبی برای گسترش دانش، فرهنگ و هنر در ایران ایجاد کرد. این دستاوردها و عوامل پیشرفتی که در دوران صفوی به وجود آمد، تأثیرات گسترده‌ای در این امپراطوری و تاریخ ایران داشته‌اند و منجر به تعالی و افتخارات بسیاری شدند (جکسون، ۱۹۸۶).

۴.۲. تجارت در دوران صفوی

بله، توسعه تجارت و روابط بازرگانی با کشورهای خارجی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و می‌تواند به رونق اقتصادی و پیشرفت کشور کمک کند. شاه عباس اول با توسعه روابط با کشورهای اروپایی و ایجاد روابط تجاری با آنها، توانست تجارت و تبادلات اقتصادی را ترویج دهد و به ایران در ورود به بازارهای بین‌المللی کمک کند. تأمین امنیت و استقرار صلح در دوره صفوی، اقبال تجار و بازرگانان خارجی را به سمت ایران جذب کرد و این امر منجر به افزایش تعاملات تجاری و اقتصادی بین ایران و سایر کشورها شد. تجار کالاهای مختلف را به ایران می‌آوردند و در عوض محصولات ایرانی را به دیگر نقاط عرضه می‌کردند، که این تبادلات توسعه تجارت و رشد اقتصادی را تحقق بخشید. به این توسعه تجارت و رابطه با بازرگانان خارجی، می‌توان نیز به عنوان یکی از عوامل مهم پیشرفت دوران صفوی اشاره کرد که به تحولات اقتصادی و فرهنگی این دوره کمک کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸؛ میر جعفری و بنکدار، ۱۳۸۷).

در دوران صفوی تجارت و بازرگانی به صورت گسترده انجام می‌شد و روش‌های مختلفی برای انجام تبادلات تجاری و تبادل کالاها و خدمات استفاده می‌شدند. این عصر به عنوان یک دوره رقابتی و پراز انتقادات پر است و پشتوانه اصلی آن اصلاحات و سیاست‌های اقتصادی و تجاری مهمی بود که تأثیر مستقیمی بر رونق تجارت داشت. این امر باعث شده تا نقش تجارت و بازرگانی در رونق اقتصادی ایران صفوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. تبادلات تجاری بین ایران و سایر کشورها اعم از مبادله کالا با کالا و پرداخت با پول نقد یا سکه‌ها، به توسعه تجارت و اقتصاد کشور کمک کرد. بازرگانان و تاجران ایرانی خود به مناطق مختلف سفر می‌کردند و با انجام معاملات تجاری با کشورهای دیگر، ارتباطات بین‌المللی را گسترش دادند. به طور کلی، تجارت و بازرگانی در دوران صفوی نقش اساسی در رونق اقتصادی و توسعه اقتصادی ایران ایفا کرد و به تبادلات فرهنگی و اقتصادی بین ایران و سایر کشورها کمک مهمی نمود. در دوران صفوی، تجارت و بازرگانی به صورت گسترده انجام می‌شد و بازرگانان از کشورهای مختلف شرکت در فعالیت‌های تجاری در ایران داشتند.

همچنین تجارت داخلی نیز توسط تاجران ایرانی مسلمان انجام می‌شد. صادرات ابریشم از جمله کالاهای عمده این دوره بود که تجار انگلیسی، هلندی و ارمنی در صدور آن رقابت می‌کردند. علاوه بر ابریشم، تیماج، پشم شتر و گوسفند، چرم، قالی، سنگ‌های قیمتی و مصنوعات طلا و نقره از دیگر کالاهای صادراتی بودند. از سوی دیگر، مصنوعات و منسوجات، جام، آینه، شیشه پنجره، زیورات فلزی، چراغ و کاغذ تحریر از میان کالاهای وارداتی به ایران محسوب می‌شدند. این تبادلات تجاری و بازرگانی باعث رشد اقتصادی، فرهنگی و تبادلات فرهنگی بین ایران و کشورهای دیگر شد و نقش مهمی در توسعه اقتصادی و فرهنگی ایران داشت (نوروزی، ۱۳۹۱).

۴.۲.۱. تجارت داخلی

پس از آرامش و استقرار که شاه عباس اول به وجود آورد، نهضت بزرگی در سح هنر، فرهنگ و اجتماع آغاز شد که می‌توان آن را "رستاخیز عهد عباسی" نامید. این جنبش پیگیر و همه‌جانبه، تأثیرات قابل توجهی بر زندگی مردم و هنرهای زیبای این دوره داشت. این عصر به نام "عصر زر" نیز شناخته می‌شود به دلیل توجه شاه عباس به هنر، معماری و فرهنگ. به عنوان مثال، در این دوره، ساخت و زیبای آبنماها، باغ‌ها، توسعه معماری با طرح‌های مدرن و هنری، و انتشار آثار ادبی و شعری بسیار غنی رونق گرفت. این نهضت هنری و فرهنگی به سطحی بسیار بالا از تقویت و بالندگی هنرهای زیبا و فعالیت‌های اجتماعی در دوره صفوی منجر شد، که اثرات آن تا به امروز قابل مشاهده است و میراث فرهنگی غنی و ارزشمندی را برای جامعه ایران به ارث گذاشت (طاهری، ۱۳۸۴).

در اثر این تحولات، رفاه و آسایش که ایرانیان برای مدت زمانی طولانی از آن محروم بودند، باعث گسترش آبادی‌ها، افزایش جمعیت و رونق صنعتی و تجاری شد. در این دوره، اصلاحات و مقررات جدید در زمینه‌های اجتماعی و نظامی اجرا شد و شبکه جاده‌های بیشتری در سراسر کشور ایجاد شد. شهرها، روستاها، ساختمان‌ها، مدارس، مساجد، اقامتگاه‌ها و کاروانسراها در ارتفاعات و دشت‌های مختلف کشور شکل گرفتند. در زمینه‌های صنعتی، هنری و معماری پیشرفت‌های چشمگیری رقم زد که باعث ارتقای این دوره نسبت به دوره‌های گذشته شد. ساخت شبکه جدید شاهراه‌ها و اصلاح راه‌های قدیمی به همراه دیگر اقدامات پیشگامانه شاه عباس، سفرهای تجاری و سفرهای عمومی را بی‌سابقه ساده و امن کرد (صفا، ۱۳۹۴). توسعه شبکه جاده‌ها و ارتقاء مسیرهای ارتباطی در دوره صفویان به اندازه‌ای پیشرفت کرده بود که امکان انتقال نامه‌ها با سرعت فراهم آمده بود. در واقع مشخص شد که در اواسط دوره سلطنت شاه عباس، یک نامه توسط یکی از رهبانان فرقه برهنه پای کرمی در اصفهان نوشته شده بود، که تنها بعد از بیست و پنج روز به دست رهبان دیگری که در جزیره هرمز اقامت داشت، می‌رسید. به عبارت دیگر، این رهبان مسافت حدود ۶۰۰ مایل یا ۹۶۰ کیلومتر را با سرعت ۴۰ کیلومتر در روز طی می‌کرد. این نمونه تأکید می‌کند که توسعه زیرساخت‌های ارتباطی مانند جاده‌ها در این دوره به اندازه کافی پیشرفته و قابل اطمینان بوده است. این نکته مهمی است که نشان می‌دهد رونق تجاری و فرهنگی در دوران صفویان باعث ارتقای سطح مسافرت و ارتباطات شده است (طاهری، ۱۳۸۴).

با تأکید بر گفته‌های سیوری، بسیاری از امکانات اداری و کارگاهی در دوران سلطنتی، از جمله مطبخ‌ها، ظرف‌شویخانه‌ها، اصطبل‌ها و آغل‌ها، به عنوان "بخش داخلی" یا امور خدماتی در نظر گرفته می‌شدند. با این حال، برخی از این امکانات به عنوان کارگاه‌های تولیدی دولتی عمل می‌کردند و در کل به طور معمول حدود پنج هزار هنرمند و صنعتگر در آن‌ها مشغول بودند و در توسعه اقتصادی کشور نقش مهمی داشتند (سیوری، ۱۳۸۵). شاه عباس به مسائل و بازارهای داخلی هم توجه داشت. منابع نشان می‌دهند که در بازار قزوین، که سه برابر بزرگتر از بورس لندن بود، زیبایی و سازماندهی مشابه آن را نداشت. در دوران حکومت صفوی، ایرانیان فاقد دانش و تجربه در زمینه دریانوردی نظامی یا تجاری بودند و فعالیت‌های تجاری آن‌ها محدود به راه ابریشم از طریق مسیرهای خشکی بود (اقتداری، ۱۳۸۸).

۴.۲.۲. تجارت خارجی

در دوره صفوی، روابط خارجی ایران نیز نقش خاصی در بین ادوار مختلف اسلامی داشتند. در دوره صفوی، ایران به عنوان یکی از مراکز تجاری مهم و اقتصادی جهان شناخته می‌شد. دولت صفویه توانست با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی مطلوب خود،

در تجارت با کشورهای دیگر رقابتی برجسته داشته باشد. ایران به عنوان پل ارتباطی بین شرق و غرب و نیز قاره‌های آسیا و اروپا، نقش مهمی در تبادلات تجاری ایفا می‌کرد. برخی از مهمترین محصولات صادراتی ایران در آن دوره شامل ابریشم، قند، پشم، نباتات دارویی و فرآورده‌های آهن و مس بودند. این تبادلات تجاری باعث رونق اقتصادی و توسعه فرهنگی و هنری در دوران صفوی شد. بر اساس نظرات سیوری، دولت صفویه، اگرچه به اندازه دولت مغول در هند ثروتمند نبود، اما از تمامی حکومت‌هایی که از زمان حکومت مغول در ایران بوده احتمالاً پررنگ‌تر و ثروتمندتر بود و این دولت به‌طور عمده با بهره‌گیری زیرکانه از تغییرات اصلی‌ای که در تجارت جهانی روی داده بود، به این رونق بی‌نظیر دست یافت (سیوری، ۱۳۸۵).

در دوره صفوی، با تقویت دولت‌های بزرگ اروپایی مانند روسیه، اتریش، فرانسه، اسپانیا، پرتغال و انگلیس، ارتباط‌های تجاری میان ایران و اروپا آشکار شد. دولت صفوی با فهم نیاز ممالک اروپایی به منابع خاورمیانه، به ویژه زیر حکومت شاه عباس، از این موقعیت بهره برد. روابط ایران با کشورهای اروپایی زیر حکومت شاه اسماعیل اول به تدریج تقویت یافت و زمانی که شاه عباس حکومت می‌کرد، به صورت رسمی و منظم برقرار شد. در این دوره، روابط تجاری نزدیک با کشورهای همچون پرتغال، روسیه، انگلیس و اسپانیا تقویت شد و محصولات مانند ابریشم و سایر محصولات به این کشورها صادر می‌شدند، که تجارت ابریشم جزو تجارت‌های مهم این دوره بود (صفا، ۱۳۹۴).

در دوره صفوی، دولت ایران به علت تسلط پرتغال بر تجارت ساحلی تحت فشار قرار گرفت. پس از پایان حکومت پرتغال در خلیج فارس، تاجران انگلیسی، هلندی و فرانسوی به عنوان مجار اندوخته و نه به عنوان اشغالگران به ایران فرا رسیدند. در دوره صفوی، تاجران اروپایی به شاهان صفوی مواد قراردادهای تجاری را معرفی کردند و این قراردادها به صورت آزادانه مورد مذاکره قرار گرفتند که به شاهان ایران امکان مشارکت در سودهای این تجارت را فراهم می‌کردند. شاه عباس حتی امتیازاتی را به کمپانی هند شرقی داده بود به عنوان آزادی برگزاری مراسم مذهبی، که جزو برنامه‌های او برای توسعه تجارت خارجی محسوب می‌شد. بدون این توسعه، تجارت به چنین گسترشی نمی‌رسید.

در دوره صفوی، امپراتوری عثمانی برای محدود کردن تجارت ایران با مناطق غربی تلاش می‌کرد و مسیر کاروان‌های تاجران را با استفاده از قرارگاه‌ها و حصارهای خود غیرامن می‌کرد. به همین دلیل، تاجران ایرانی نیاز به مسیری جایگزین برای تجارت با مناطق غربی داشتند. این مسیر جدید از منطقه گیلان آغاز می‌شد، از طریق دریای خزر به هشتراخان می‌رسید، سپس از ولگا به سوی غرب حرکت می‌کرد و در نهایت از طریق مسیر خشک به سمت اوکراین می‌رسید تا به ناحیه امنی برای تجارت با مناطق غربی دست یابند. تجارت بین‌المللی از این مسیر بسیار گسترده و متنوع بود. از منطقه گیلان، محصولاتی از جمله پارچه‌های زربفت، چرم دباغی نشده، چرم مراکشی، مخمل و ابریشم به مسکو و از آنجا به لهستان و کل اروپا صادر می‌شد. ابریشم، به عنوان یکی از اجناس اصلی تجارتی ایران در دوره صفوی، نقش بسیار مهمی در تجارت خارجی ایران ایفا می‌کرد و از اهمیت بالایی برخوردار بود (سیوری، ۱۳۸۵).

ابریشم یکی از محصولات اصلی صنایع تجاری ایران بود که در دوران قبل از عصر صفوی نیز تولید می‌شد و به عنوان یکی از کالاهای مهم تجاری شناخته می‌شد. اما در زمانهایی از عصر صفوی، ابریشم به عنوان یکی از کالاهای مورد توجه و اهمیت تجاری ایران محسوب می‌شد و صادرات آن به خارج از کشور افزایش یافت. این تغییر در اهمیت تجاری ابریشم در دوره صفوی منجر به گسترش و تعمیق روابط تجاری ایران با کشورهای اروپایی از جمله پرتغال، انگلیس و هلند شد که انعکاس قدرت تجاری و اقتصادی ایران در آن زمان بود. این روابط با کشورهای اروپایی به تبادل تجاری فعال‌تر، افزایش صادرات و واردات محصولات و برقراری تبادل فرهنگی نیز کمک کرد (فارابی، ۱۳۸۶). نقل قول اولناریوس (۱۳۷۳) نشان می‌دهد که گسترش

تولید ابریشم در دوره صفوی تأثیر قابل توجهی بر روند تجاری و سیاسی ایران داشته است. با افزایش تولید ابریشم و تبادلات تجاری فعال‌تر با اروپایی‌ها، رقابت‌های تجاری و سیاسی بین اتباع ایرانی و اروپایی‌ها افزایش یافت. ورود اروپایی‌ها به ایران به دلیل تجارت و اقتصاد پویا این کشور، به ویژه در زمینه تولید ابریشم، افزایش یافت و این امر منجر به رقابت‌های فرهنگی، تجاری و سیاسی بین ایران و اروپا شد. این ارتباطات و رقابت‌ها در نهایت تأثیرات عمیقی بر تاریخ و توسعه اقتصادی و فرهنگی هر دو منطقه داشتند (فارابی، ۱۳۸۶).

به نقل تاورنیه (۱۳۶۹) نشان می‌دهد که در دوره صفوی، تجارت خارجی ایران به طور عمده توسط بازرگانان ارمنی کنترل می‌شد. این بازرگانان به دلیل تخصص و مهارت بازرگانی و همچنین روابط برقرار شده با اروپایی‌ها، نقش حیاتی در تجارت خارجی ایران ایفا می‌کردند. این روابط و تخصص بازرگانی و مالی بازرگانان ارمنی برای مقصودات شاه عباس بسیار حیاتی بود و او به دنبال جلب توجه بازرگانان اروپایی به تجارت در ایران بود. شاه عباس از طریق ایجاد روابط مثبت با کاتولیک‌ها و تشویق آنها به تأسیس صومعه‌ها در ایران، سعی در تحقق این هدف داشت. این سیاست‌ها نه تنها به توسعه تجارت و اقتصاد ایران کمک کردند بلکه نیز نقش مهمی در تبادلات فرهنگی و دینی بین ایران و اروپا ایفا کردند. بازرگانان ارمنی در دوره صفوی به عنوان فعالان اصلی در تجارت ایران، به ویژه تجارت ابریشم، اختیار و موقعیت فوق‌العاده‌ای داشتند. آنها به خاطر تخصص و تجربه‌ی خود در زمینه تجارت، روابط برقرار شده با اروپایی‌ها و همچنین توانایی همکاری با مقامات پادشاهی، در جریان تجارت ابریشم موفقیت‌های چشمگیری بدست آوردند. زمانی که اختلاف بین بازرگانان مسلمان ماربای اصفهان و بازرگانان ارمنی جلفا منجر به آشوب شد، شاه عباس به جهت اهمیت تجارت ابریشم و نقش ارمنیان در آن، تا حدی از جانب ارامنه پشتیبانی کرد. این پشتیبانی نشان از اعتبار و اهمیت بازرگانان ارمنی در تجارت ابریشم و نیز تأثیرگذاری آنان در روابط سیاسی و تجاری آن دوره است (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸).

از زمان‌های قدیم، هندیان به عنوان بازرگانان فعال و پرسودی شناخته شده بودند و در ایران به ویژه به داللی (فروش همگانی) و رباخواری فعالیت می‌کردند. اما به علت پیشنهاد‌های ارزان به سوی اروپا، سلطنت درخواست‌های گزاف هندیان و شایعه‌های ناپسند درباره آنان، شهرت مثبتی نداشتند. در دوره شاه عباس اول، تعداد هندیان در ایران زیاد نبود اما با توسعه تجارت و روابط بین‌المللی، تعداد آنان در دوره‌های بعدی افزایش یافت. طبق نقل قول از تاورنیه، شاه عباس اول اجازه نداد که رباخواران هندی در ایران مقیم شوند و فقط در دوره جانشینان او، صفی و عباس دوم، اجازه مقیم شدن در ایران را به آنها دادند. این نشان می‌دهد که مقامات پادشاهی ایران در دوره صفوی موقعیت هندیان را با دقت و با توجه به مزایا و معایب آنها، بررسی و اقدام می‌کردند (سیوری، ۱۳۸۵). در دوره صفوی، بازرگانان هندی نیز نقش مهمی در رونق تجارت ایران داشتند. آنها به عنوان تاجران فعال و ماهر، در تجارت‌های بین‌المللی شرکت می‌کردند و به توسعه شبکه‌های تجاری ایرانیان کمک می‌کردند. تجارت‌های انجام شده توسط بازرگانان هندی شامل انواع کالاها اعم از مواد غذایی، پارچه، اجناس لوکس و گواهی‌ها به مناطق مختلف ایران بود. همچنین، بازرگانان هندی با ارائه خدمات تجاری و مالی، حمایت از صنایع محلی ایران و تسهیل در تبادلات تجاری و فرهنگی بین ایران و هند، به توسعه تجارت و اقتصاد صفوی کمک کردند. این تجارت‌ها و تبادلات به کشورهای دیگر نیز گسترش داده شد و نقش مهمی در تبادل تجاری، فرهنگی و دینی در دوره صفوی ایفا کردند (سیوری، ۱۳۸۵).

در اواخر عصر صفوی، نظرات متفاوتی درباره وضعیت مادی و اقتصادی یهودیان و میزان مشارکت آنها در تجارت وجود دارد. متی به نقل از شاردن معتقد است که سکنه یهودی اصفهان را کم و همه را فقیر می‌داند و ادعا می‌کند که یهودیان در سراسر ایران توانایی مالی چندانی نداشتند و بیشتر به عنوان صراف فعالیت می‌کردند و در معاملاتی مانند فروش شراب مشغول بودند. از سوی دیگر، سیوری نیز اعتقاد داشت که یهودیان به عنوان تاجران در زمینه‌هایی از جمله ادویه و جواهرات فعالیت می‌کردند

و بیشتر به عنوان دال در تجارت شناخته می‌شدند. آنها در محله‌های خود از جمعیت مجزا تشکیل داده بودند، اما تعداد آنها به نسبت زیادی بالا نبود (سیوری، ۱۳۸۵).

۵. نتیجه گیری کلی

دوران صفوی، یکی از مهمترین دوره‌های تاریخ ایران است که برجسته‌ترین رخدادهای اقتصادی و تجاری خود را تجربه کرد. تجارت در دوران صفوی نقش مهمی در رونق اقتصادی کشور ایفا کرد و به پیشرفت اقتصادی و فرهنگی ایران کمک کرد. برخی از ویژگی‌های تجارت در دوران صفوی عبارتند از:

۱. توسعه روابط بازرگانی با کشورهای خارجی: شاه‌های صفوی با توسعه روابط با کشورهای اروپایی و آسیایی، پایه‌های مهمی برای تجارت بین‌المللی فراهم کردند. این امر منجر به افزایش تبادلات تجاری و اقتصادی و ورود ایران به بازارهای جهانی شد.

۲. ارتقاء بنیان‌های تجاری: شاه‌های صفوی با اصلاحات اقتصادی و ترویج تجارت، بنیان‌های پایدار و پویا برای تجارت در ایران فراهم کردند. ترقی تجارت اسلامی (بازار بزرگ) و اهمیت اقتصادی برخی از شهرهای مانند اصفهان، شیراز و تبریز در این دوره، توسعه تجارت را نشان می‌دهد.

۳. تسهیلات و حمایت دولتی: دولت صفوی با ارائه تسهیلات و حمایت‌های مالی به تجار و بازرگانان، انگیزه‌های لازم برای گسترش تجارت فراهم کرد. این تسهیلات شامل آسیب‌پذیری مذاهب و جوامع برخی از روشنفکران و تجار نسبت به مخاطرات جهانی بین‌المللی (از قبیل جنگ‌ها)، برخلاف مواضع و نظریات و کلام باز برخی از روزنفران غربی، و انجام همکاری‌ها در این زمینه‌ها که هم‌اکنون دیگر برقراری روابط اقتصادی با دنیای بیرون، برای ملت‌های توسعه‌یافته به شدت لازم و متلاشی شده است، فراهم آورد.

۴. تبادلات فرهنگی و هنری: تجارت در دوران صفوی منجر به تبادلات فرهنگی و هنری بین ایران و سایر کشورها شد. این تبادلات باعث غنی‌سازی فرهنگ و هنر ایران و تأثیر مثبتی بر اقتصاد و توسعه فرهنگی کشور شد.

در مجموع، تجارت در دوران صفوی یکی از عوامل مهم پیشرفت و رشد اقتصادی و فرهنگی ایران بود که به توسعه و افزایش تبادلات اقتصادی با کشورهای دیگر کمک کرد. در دوره صفوی، تجارت و تجار نقش اساسی در توسعه اقتصادی ایران داشتند. این تجارت‌ها و تعاملات تجاری باعث افزایش فعالیت‌های اقتصادی، تبادل کالاها و خدمات، و انتقال فناوری و دانش بود. تجارت ابریشم و روابط تجاری با کشورهای اروپایی از جمله عواملی بودند که به توسعه اقتصادی کشور کمک کردند. تجار و تاجران ایرانی با استفاده از این فرصت‌ها، فعالیت‌های تجاری خود را گسترش داده و رونق اقتصادی کشور را تقویت کردند. همچنین، شرکت اقلیت‌های قومی و مذهبی مانند ارمنه، یهودیان و هندی‌ها در تجارت و توسعه اقتصادی نقش مهمی داشتند. این تجارت‌ها و تعاملات تجاری باعث ایجاد روابط فرهنگی و تبادل فرهنگی بین ملل و انسان‌ها شده و دنیای اقتصادی و فرهنگی ایران را غنی و پویا کرده‌اند. به طور کلی، تجارت و تجار در دوره صفوی به توسعه اقتصادی کشور اساسی کمک نموده و باعث افزایش تبادلات اقتصادی و فرهنگی با سایر کشورها شدند. تجارت ابریشم و تبادلات تجاری با این کشورها از جمله عواملی بود که به توسعه اقتصادی ایران کمک کرد. همچنین، کشورهای هند، ارمنی و کشورهای خاورمیانه نیز از جمله کشورهایی بودند که در تجارت با ایران در دوره صفوی نقش مهمی داشتند و با تبادل کالاها، خدمات و فرهنگ‌ها، به توسعه

اقتصادی و فرهنگی کشور کمک کردند. از این رو، تعاملات تجاری و روابط با کشورهای مختلف، از جمله کشورهای اروپایی، هند و خاورمیانه، به توسعه اقتصادی ایران در دوره صفوی کمک بسیاری نمودند.

مراجع

- ابتکاری، محمدحسین، (۱۳۹۲)، نقش تجار و تجارت در توسعه اقتصادی دوره صفویه، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی. ۳۱۰-۳۱۹.
- اخزری، علی، کجیاف، علی اکبر. (۱۳۹۲). نگرش به آسیب های اقتصادی ایران در دوران صفویه. پژوهش های تاریخی، ۵(۱)، ۳۵-۴۸.
- اقتداری، احمد، (۱۳۸۸). خلیج فارس از دیر باز تا کنون، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۴۱۶ ص.
- اولثاریوس، آدام، (۱۳۷۳)، سفرنامه اولثاریوس، ترجمه احمد بهپور، ناشر ابتکار، ویراستار ابراهار دمیسر، چاپ اول، ۴۶۴ ص.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۸). سیاست و اقتصاد عصر صفوی، نشر صفی علیشه، چاپ اول، ۷۶۴ ص.
- بیاتی، ب.، برجلو، ا.، (۱۴۰۱). نقش تجارت ابریشم در مناسبات ایران و عثمانی در دوره صفوی (مقاله علمی وزارت علوم)، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی. ۱۱(۲). ۹۷-۱۱۸.
- تارونیه، (۱۳۶۹). سفرنامه تارونیه، مترجم ابوتراب نوری، ناشران: کتابفروشی تایید، کتابخانه سنایی، ویراستار: حمید شیرانی، چاپ چهارم، ۷۳۴ ص.
- ثواقب، جهانبخش، نجفی علی آبادی، فردین، (۱۳۹۲). کارکردهای کاروانسرا در عصر صفوی، پژوهش نامه تاریخ، ۳۳(۱۳۹۲)، ۱۲۵.
- جکسون، پیتر، (۱۹۸۶). کتاب تاریخ ایران دوره صفویان، مترجم یعقوب آژند، انتشارات جامی، چاپ هفتم، ۷۲۰ ص.
- سیمونز، اریک.ن.، (۱۳۶۲). مترجم ابوالقاسم حالت، ناشر: امیرکبیر، چاپ اول، ۲۵۳ ص.
- سیوری، راجر، (۱۳۸۵). ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، چاپ پانزدهم، ۲۹۲ ص.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۹۴). تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران؛ تا پایان عهد صفوی، انتشارات فردوسی، چاپ پنجم، ۳۲۸ ص.
- طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۸۴). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران: از مر تیمور تا مر شاه عباس، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم، ۵۰۴ ص.
- فارابی، شهین، (۱۳۸۶). نقش ابریشم در مناسبات تجاری ایران و هلند در عصر صفویه، پژوهش نامه تاریخ، ۲(۸)، ۱۵۹-۱۳۹.
- فرای، ریچاردنلسون، (۱۳۸۶). کتاب تاریخ باستانی ایران، مترجم مسعود رجب نیا، ناشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی)، ویراستار منوچهر امیری، چاپ سوم، ۶۳۲ ص.

- کاظمی راشد، منیره، شعبانی، رضا، (۱۳۸۹). نقش گذرگاهی تبریز در تجارت ابریشم ایران و آناتولی از دوره ترکمانان تا آغاز عصر شاه عباس اول صفوی، نشریه: مسکویه، ۵(۱۴). ۹۷-۱۲۲.
- معتضد، خسرو، معتضد، اشکان، (۱۴۰۰). تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران: حاج امین‌الضرب، ناشر: ماهریس، ویراستار سمیه تقی‌زاده، چاپ اول، ۶۳۶ ص.
- نرسیسیان، امیلیا. (۱۳۹۰). تأثیر تجارت بر توسعه هنر نقاشی جلفای اصفهان در عصر صفوی. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات ۳(۲)، ۵۵-۷۳.
- نوروزی، جمشید (۱۳۹۱). تمدن ایران در دوره صفویه. ناشر: موسسه فرهنگی مدرسه برهان. چاپ سوم، ۶۸ ص.
- Abulafia, D. (Ed.). (2003). The Mediterranean in history. Getty Publications.
- Dollar, D., & Kraay, A. (2004). Trade, growth, and poverty. The economic journal, 114(493), F22-F49.
- Michailidou, A., & Dogan, I. B. (2008). Trading in prehistory and protohistory: Perspectives from the eastern Aegean and beyond. In Sailing in the Aegean: readings on the economy and trade routes (pp. 17-53).
- WILLIAMS-THORPE, O. (1995). Obsidian in the Mediterranean and the Near East: a provenancing success story. Archaeometry, 37(2), 217-248.